



درس اول: معرفی مجموعه

تشکیل مجموعه

برای تشکیل مجموعه‌ای مانند «مجموعه شماره‌های عدد ۱۲»، شماره‌های عدد ۱۲ را درون یک جفت آکولاد ({ }) قرار می‌دهیم و برای نام‌گذاری این مجموعه، یکی از حروف بزرگ انگلیسی (A, B, C, D, ...) را انتخاب می‌کنیم.

$$A = \{1, 2, 3, 4, 6, 12\}$$

عضویت

مجموعه‌ای مانند $A = \{1, 2, 3, 6\}$ را در نظر بگیرید، هریک از اعداد ۱، ۲، ۳ و ۶ را عضوهای مجموعه A می‌گویند. **توجه** اگر عضوهای یک مجموعه زیاد باشد، می‌توانیم از ۳ نقطه (...) برای خلاصه‌نویسی استفاده کنیم. مانند:

$$B = \{10, 11, 12, \dots, 99\}$$

$$C = \{1, 2, 3, 4, \dots\}$$

تشخیص مجموعه

عبارت‌هایی مانند «سه عدد طبیعی متوالی» که برای آنها می‌توان جواب‌های مختلفی داد (مانند ۲، ۳، ۴ یا ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰)، مشخص‌کننده یک مجموعه نیستند.

عبارت‌هایی مشخص‌کننده یک مجموعه هستند که فقط یک پاسخ (پاسخ یکتا) داشته باشند و آن پاسخ کاملاً معین و مشخص باشد. مانند «مجموعه اعداد اول یک رقمی» که فقط یک پاسخ دارد.

$$A = \{2, 3, 5, 7\}$$

جابه‌جایی اعضا

در یک مجموعه، جابه‌جایی اعضا تأثیری ندارد و با جابه‌جایی اعضا مجموعه جدیدی ایجاد نمی‌شود (مثلاً $\{2, 3, 1\}$ همان $\{3, 1, 2\}$ است).

عضو تکراری

در یک مجموعه، با نوشتن عضو تکراری، مجموعه جدیدی ایجاد نمی‌شود، بلکه عضو تکراری حذف می‌شود. مانند:

$$A = \{2, 3, (-2)^2, 4, \sqrt{9}\} = \{2, 3, 4, 4, 3\} = \{2, 3, 4\}$$

تعریف مجموعه

مجموعه در ریاضی برای بیان و نمایش دسته‌ای از اشیای مشخص (دقیقاً مشخص باشد، چه اشیایی در مجموعه عضو هستند) و متمایز (عضوهای مجموعه غیرتکراری باشند) استفاده می‌شود.

علامت عضویت

مجموعه‌ای مانند $A = \{7, 8, 9\}$ را در نظر بگیرید. هرگاه بخواهیم نشان دهیم، عدد ۷ عضو مجموعه A است، از علامت \in استفاده می‌کنیم ($7 \in A$). یعنی عدد ۷ عضو مجموعه A است. و اگر بخواهیم نشان دهیم، عددی مانند ۵ عضو مجموعه A نیست، از علامت \notin استفاده می‌کنیم. ($5 \notin A$). یعنی عدد ۵ عضو مجموعه A نیست.

نمودار ون

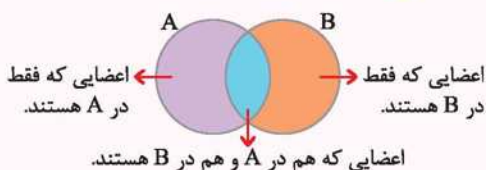
یک مجموعه را مانند شکل زیر می‌توان با یک منحنی یا خط شکسته بسته نمایش داد.

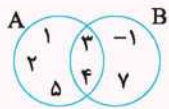


$$A = \{1, 2, 4, 8\}$$

رسم نمودار ون برای دو مجموعه

عضوهای دو مجموعه را در نمودار ون به صورت زیر می‌نویسیم:





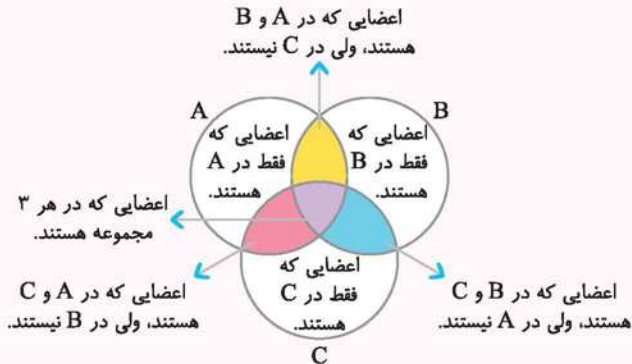
$$A = \{1, 2, 3, 4, 5\}$$

$$B = \{-1, 3, 4, 7\}$$

به عنوان مثال:

نمودار ون برای سه مجموعه

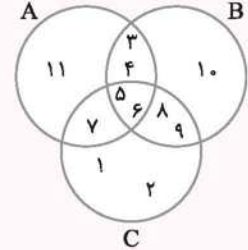
برای رسم نمودار ون سه مجموعه، به صورت زیر عمل می‌کنیم:



$$A = \{3, 4, 5, 6, 7, 11\}$$

$$B = \{3, 4, 5, 6, 8, 9, 10\}$$

$$C = \{1, 2, 5, 6, 7, 8, 9\}$$



مجموعه تهی

به مجموعه‌ای که عضوی ندارد، **مجموعه تهی** می‌گوییم، مانند «مجموعه اعداد طبیعی بین ۵ و ۶»، برای این مجموعه نمی‌توانیم عضوی پیدا کنیم. مجموعه تهی را با نماد $\{\}$ یا \emptyset نمایش می‌دهند. (دقت کنید که $\{\emptyset\}$ مجموعه تهی نیست و دارای یک عضو می‌باشد).



پرسش‌های درس اول: معرفی مجموعه



۱ کدام یک از عبارت‌های زیر یک مجموعه را مشخص نمی‌کند؟ (دلیل خود را بنویسید.)

- الف) مجموعه افرادی که در سال ۱۳۴۹ در ایران متولد شدند.
- ب) مجموعه درخت‌های زیبا
- ج) مجموعه ۹۰ عدد صحیح دو رقمی منفی
- د) مجموعه افرادی که در کلاس شما عینک می‌زنند و چپ دست هستند.

۲ مجموعه‌های زیر را با نوشتن عضوهایشان مشخص کنید.

- الف) مجموعه عددهای فرد دورقمی
- ب) مجموعه عددهای صحیح کوچک‌تر از ۲۰ که جذر صحیح دارند.
- ج) مجموعه شمارنده‌های غیراول ۲۸.
- د) مجموعه حروف سه نقطه الفبای فارسی

۳ هر مجموعه یا عبارت سمت راست را به عبارت یا مجموعه مناسب با آن در سمت چپ وصل کنید.

- مجموعه حروف فارسی که نقطه ندارند.
- مجموعه اعداد صحیح که مجذورشان از ۲۵ کوچک‌تر است.
- مجموعه اعداد صحیح دورقمی
- $E = \{10, 20, 30, 40, 50, 60, 70, 80, 90\}$
- مجموعه مضرب‌های عدد ۴ که از ۴۵ کوچک‌تر هستند.
- $C = \{4, 8, 12, 16, \dots, 44\}$
- $C = \{-4, -3, -2, -1, 0, 1, 2, 3, 4\}$
- اعداد طبیعی دورقمی که بر ۲ و ۵ بخش پذیرند.
- $A = \{1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, 10, 11, 12, \dots, 99\}$
- $A = \{ح, د, ر, س, ص, ط, ع, ک, گ, ل, م, و, ه, ی, ا\}$

۴ با توجه به شرایط متمایز بودن اعضای یک مجموعه، مجموعه‌های زیر را اصلاح کنید.

الف) $A = \{\frac{1}{12}, \frac{2}{3}, \frac{5}{10}, 0, 5\}$ اصلاح شده $\rightarrow A = \{ \}$

ب) $B = \{5^\circ, 15^\circ, 1^\circ, 5\}$ اصلاح شده $\rightarrow B = \{ \}$

۵ می‌دانیم تعداد اعضای مجموعه M ، ۳ تا است. با توجه به این موضوع کدام اعداد در مجموعه سمت راست می‌توانند به جای x قرار بگیرند؟ آن‌ها را مشخص کنید.

$$M = \{2, 3, x+1\}$$

$$\{-\sqrt{4}, 1400^\circ, 12^\circ, \sqrt{4}, -(-100)\}$$

در زیر چند مجموعه با عضوهایشان مشخص شده‌اند. مجموعه‌هایی که مساوی هستند را مشخص کنید و تعداد عضوهایشان را بنویسید.

$$A = \{a, a, a\}$$

$$B = \{aaa\}$$

$$C = \{a + a + a\}$$

$$D = \{a\}$$

$$E = \{3a\}$$

$$F = \{a^3\}$$

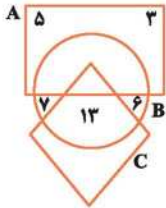
$$G = \{a \times a\}$$

$$H = \{ab\}$$

$$I = \{ba\}$$

$$J = \{a, ab\}$$

$$K = \{ba, a\}$$



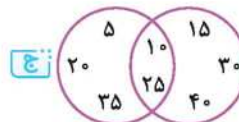
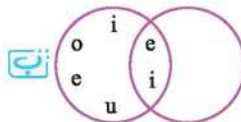
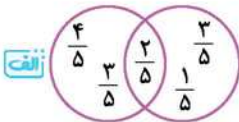
با توجه به عبارت‌های زیر، نمودار مقابل را کامل کنید.

۱۴، عضو مجموعه‌های A، B و C است.

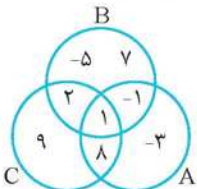
۱۱، عضو مجموعه‌های A و B است، اما عضو مجموعه C نیست.

۸ فقط عضو مجموعه C می‌باشد.

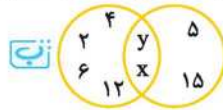
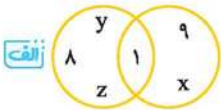
تعیین کنید کدام نمودارهای ون صحیح رسم نشده‌اند (با ذکر دلیل)، سپس آن‌ها را اصلاح کنید.



با توجه به نمودار ون مقابل، مجموعه‌های A، B و C را به تفکیک بنویسید.



در هر قسمت مجموعه شمارنده‌های دو عدد را با نمودار ون نشان داده‌ایم. مقدار یا مقدارهای مجهول را بنویسید.



اگر A مجموعه شمارنده‌های عدد ۳۰ باشد، هر عبارت را با نماد \in یا \notin کامل کنید.

$$3 \in A$$

$$5 \in A$$

$$12 \in A$$

$$1 \in A$$

$$a \in A \quad b \notin A \quad c \notin A \quad d \in A \quad e \in A$$

$$a \notin B \quad b \in B \quad c \in B \quad d \notin B \quad e \in B$$

$$20 \in A$$

$$30 \in A$$

با توجه به اطلاعات داده شده، اعضای دو مجموعه را با نمودار ون نمایش دهید.

کدام یک از مجموعه‌های زیر تهی و کدام یک تک عضوی است؟

$$\{\emptyset\}$$

$$\{\}$$

$$\{0\}$$

مجموعه مضارب اول عدد ۵۱

مجموعه اعداد طبیعی بین دو عدد طبیعی زوج متوالی مشخص

مجموعه‌های زیر را مشخص کنید.

مجموعه اعداد طبیعی بزرگ‌تر از ۱۰۰ و کوچک‌تر از ۱۰۱.

مجموعه تمام اعداد صحیح که مجذور آن‌ها عددی منفی است.

مرور و جمع‌بندی درس اول

گزینه درست را مشخص کنید.

کدام مجموعه تهی است؟

۱) عددهای منفی بزرگ‌تر از -۷

مجموعه مقابل چند عضو دارد؟

۱) سه عضو

۲) عددهای صحیح منفی دو رقمی بزرگ‌تر از -۱۰

$$A = \{\sqrt{25}, -\frac{1}{2}, -\sqrt{25}\}$$

۲) دو عضو





۱۷ کدام مجموعه یک عضو است؟

(۱) عددهایی که معکوس ندارند.

۱۸ مجموعه مضرب‌های اول عدد ۲۳:

(۱) مجموعه یک عضو است.

(۲) عددهای زوج بین ۶ و ۸

(۲) مجموعه‌ای با بی‌شمار عضو است.

عبارت‌های درست را با علامت ✓ و عبارت‌های نادرست را با علامت ✗ مشخص کنید.

۱۹ مجموعه اعداد صحیحی که نه منفی و نه مثبت است، یک مجموعه تهی می‌باشد.

۲۰ عدد ۷۲ به مجموعه $\{۲, ۹, ۱۶, ۲۳, \dots, ۱۳۵\}$ تعلق دارد.

۲۱ مجموعه عددهایی که با قرینه خود برابرند، یک مجموعه یک عضو است.

۲۲ مجموعه تهی را با علامت $\{\phi\}$ نمایش می‌دهند.

جاهای خالی را با عدد یا عبارت مناسب کامل کنید.

۲۳ مجموعه $\{۱, ۲, ۸\}$ دارای عضو است.

۲۴ مجموعه اعداد صحیح که بین -۱ و ۱ قرار می‌گیرند عضو دارد و آن را مجموعه می‌نامند.

۲۵ مجموعه اعداد اول زوج دورقمی، مجموعه‌ای است.

۲۶ مجموعه $\{۱, ۳, ۵, ۷, \dots, ۹۹\}$ دارای عضو است.

درس دوم: مجموعه‌های برابر و نمایش مجموعه‌ها

دو مجموعه برابر

دو مجموعه مانند $A = \{۱, ۲, ۳\}$ و $B = \{۱, ۲, ۳\}$ که عضوهای آنها کاملاً یکسان است (هر عضو از مجموعه A ، عضوی از مجموعه B است و هر عضو از مجموعه B ، عضوی از مجموعه A است)، را دو مجموعه برابر می‌گویند و آنها را با نماد $A = B$ نمایش می‌دهند. دو مجموعه را که عضوهای آنها برابر نیستند، با علامت \neq نشان می‌دهیم، مانند: $C = \{۱, -۲\}$, $D = \{-۱, -۲\} \Rightarrow C \neq D$

زیرمجموعه

مجموعه‌های $A = \{۱, ۲, ۳, ۴\}$ و $B = \{۲, ۳\}$ را در نظر بگیرید. مشاهده می‌کنید که همه اعضای مجموعه B در مجموعه A وجود دارند. (هر عضوی از مجموعه B ، عضوی از مجموعه A است)، بنابراین می‌گوییم مجموعه B زیرمجموعه، مجموعه A است و آن را با نماد $B \subseteq A$ نشان می‌دهیم. همچنین مشاهده می‌کنید مجموعه A شامل عضوهایی مانند ۱ و ۴ است که در مجموعه B وجود ندارند. پس مجموعه A زیرمجموعه، مجموعه B نیست ($A \not\subseteq B$).

بررسی زیرمجموعه بودن خود مجموعه و مجموعه تهی

خود مجموعه: با توجه به تعریف زیرمجموعه، هر مجموعه، زیرمجموعه خودش است. به عنوان مثال $A = \{۱, ۳, ۷\}$ زیرمجموعه خودش است، زیرا بدیهی است که همه عضوهای A در خودش وجود دارد.

با توجه به توضیحات فوق، مجموعه تهی نیز زیرمجموعه خودش است.

مجموعه تهی: در مجموعه تهی (\emptyset) عضوی پیدا نمی‌کنیم که در سایر مجموعه‌ها وجود نداشته باشد، پس مجموعه تهی، زیرمجموعه هر مجموعه دلخواهی مانند A است.

نوشتن زیرمجموعه‌های یک مجموعه

برای نوشتن همه زیرمجموعه‌های یک مجموعه، ابتدا زیرمجموعه تهی، سپس زیرمجموعه‌های یک عضوی، بعد زیرمجموعه‌های دو عضوی و ... را می‌نویسیم تا به خود مجموعه (مجموعه اصلی) برسیم. مانند:

$\{ \}$: زیرمجموعه تهی

$\{۱\}, \{۲\}, \{۳\}$: زیرمجموعه‌های یک عضوی

$\{۱, ۲\}, \{۱, ۳\}, \{۲, ۳\}$: زیرمجموعه‌های دو عضوی

$\{۱, ۲, ۳\}$: زیرمجموعه‌های سه عضوی



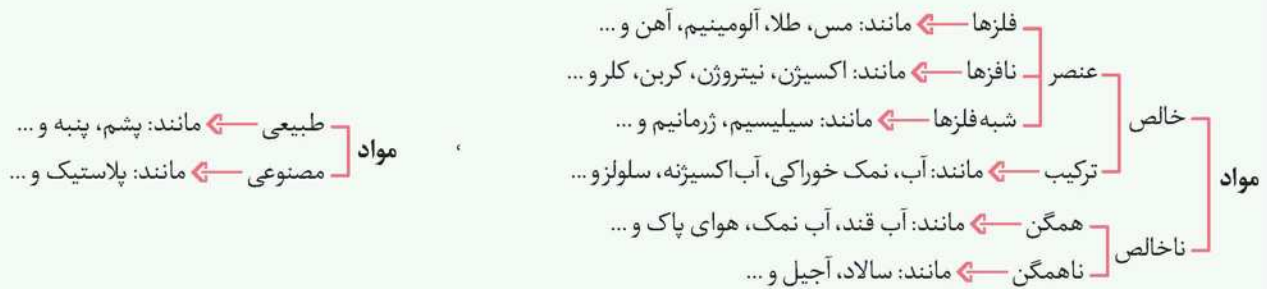
فصل ۱

مواد و نقش آنها در زندگی



فصل اول: بخش اول

تنوع مواد در اطراف و زندگی روزمره ما بسیار زیاد است. قبل از مطالعه فصل، به طبقه‌بندی‌های مواد که در سال‌های پیش خواندید، می‌پردازیم.



فلزها

در دنیای امروزی فلزها نقش مهمی در زندگی روزانه دارند، مانند استفاده آنها در ساختن پل‌ها، زیورآلات، ابزار، وسایل حمل و نقل و ...

فلزات نقش مهمی نیز در بدن موجودات زنده هم دارند، مثل آهن، کلسیم، سدیم و ...

مس (Cu)



واکنش‌پذیری فلزها

فلزها واکنش‌پذیری یکسانی ندارند. به عنوان مثال فلز منیزیم در مجاورت شعله به سرعت با اکسیژن هوا ترکیب می‌شود و با نور خیره‌کننده‌ای می‌سوزد. فلزهای مس و آهن به کندی با اکسیژن واکنش می‌دهند و به ترتیب به مس اکسید و آهن اکسید تبدیل می‌شوند. فلز طلا نیز اصلاً در شرایط نرمال با اکسیژن ترکیب نمی‌شود.

براین اساس می‌توانیم این چهار فلز را براساس میزان واکنش‌پذیری شان به صورت زیر مرتب کنیم:

طلا (Au) > مس (Cu) > آهن (Fe) > منیزیم (Mg)

با استفاده از واکنش‌های شیمیایی دیگر و همچنین بررسی سرعت انجام این واکنش‌ها می‌توانیم واکنش‌پذیری مواد مختلف را با هم مقایسه کنیم. به عنوان مثال اگر سه تیغه هم‌اندازه از جنس آهن، منیزیم و روی را در سه بشر مختلف حاوی محلول کات کبود (مس سولفات) با حجم و غلظت یکسان قرار دهیم، مشاهده می‌کنیم که سرعت تغییر رنگ محلول کات کبود در این سه بشر متفاوت و به ترتیب زیر است.

آهن (Fe) > روی (Zn) > منیزیم (Mg)





بنابراین ترتیب واکنش پذیری فلزهای نام برده شده به صورت زیر است:

طلا (Au) > مس (Cu) > آهن (Fe) > روی (Zn) > منیزیم (Mg)

نکته

اگر فلز A با ترکیبات فلز B واکنش دهد و در اثر این واکنش فلز A جای فلز B را در ترکیب بگیرد، می‌توان گفت واکنش پذیری فلز A از فلز B بیشتر است.



به عنوان مثال با استفاده از واکنش زیر می‌توان واکنش پذیری دو فلز مس و منیزیم را با هم مقایسه کرد.

واکنش پذیری مس > واکنش پذیری منیزیم \Rightarrow مس + منیزیم سولفات \rightarrow منیزیم + مس سولفات

فلز مس ترکیبی از فلز منیزیم فلز منیزیم ترکیبی از فلز مس

نافلزها

در ساختمان برخی مواد، نافلزها شرکت دارند.

هوای پاک یک مخلوط گازی و همگن است که مهم‌ترین اجزای تشکیل دهنده آن، گازهای نیتروژن (N_2)، اکسیژن (O_2)، آرگون (Ar)، کربن دی‌اکسید (CO_2) و بخار آب (H_2O) هستند.

اکسیژن (O):

اکسیژن خالص در طبیعت به دو صورت گاز اکسیژن و گاز اوزون یافت می‌شود.

گاز اکسیژن (O_2) از مولکول‌های دواتمی اکسیژن تشکیل شده است و در هوای اطراف زمین وجود دارد.

گاز اوزون (O_3) از مولکول‌های سه اتمی اکسیژن تشکیل شده است که در لایه‌های بالایی جو و همچنین در هوای آلوده یافت می‌شود.

نکته

گاز اوزون به صورت یک لایه محافظ عمل می‌کند و از رسیدن پرتوهای پراثرتری و فطرتاک فرابنفش به زمین جلوگیری می‌کند.



عنصر اکسیژن در ساختار بسیاری از ترکیب‌های طبیعی و صنعتی مثل سولفوریک اسید (H_2SO_4) وجود دارد.

صنایع شیمیایی (تهیه رنگ، تولید پلاستیک‌ها، شوینده‌ها و ...)

صنعت چرم‌سازی

صنعت کاغذسازی

کاربردهای سولفوریک اسید

تهیه اسید باتری

تولید کودهای شیمیایی

صنعت خودروسازی

گوگرد (S):

در ساختار سولفوریک اسید علاوه بر عنصرهای هیدروژن (H) و اکسیژن (O)، عنصر گوگرد (S) نیز شرکت دارد.

گوگرد جامد زردرنگی است که در دهانه آتشفشان‌های خاموش و نیمه‌فعال یافت می‌شود.

یادآوری

مدل اتمی بور: طبق نظریه بور، الکترون‌ها در اطراف هسته اتم در مدارهای مشخصی به دور هسته می‌چرخند. حداکثر الکترون‌هایی که در هر مدار می‌توانند به دور هسته اتم بچرخند، از رابطه $2n^2$ به دست می‌آید که n شماره مدار است.



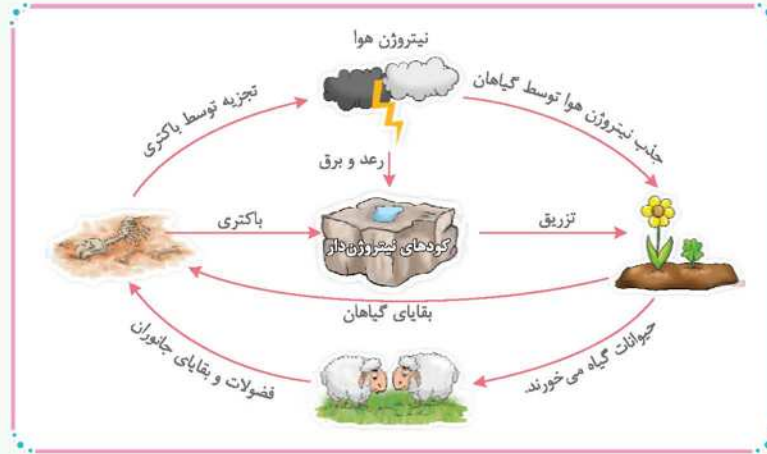
دقت داشته باشید که برای ساده‌تر نشان دادن مدل اتمی بور، می‌توانیم مطابق شکل فقط بخشی از مدارها را رسم کنیم و تعداد الکترون‌های هر لایه را در زیر و یا بالای هر لایه بنویسیم.



★ نیتروژن (N):

نیتروژن نافلز مهمی است که در هوا به صورت مولکول‌های دو اتمی (N_2) و در ساختمان بدن همه موجودات زنده یافت می‌شود.

★ چرخه نیتروژن:

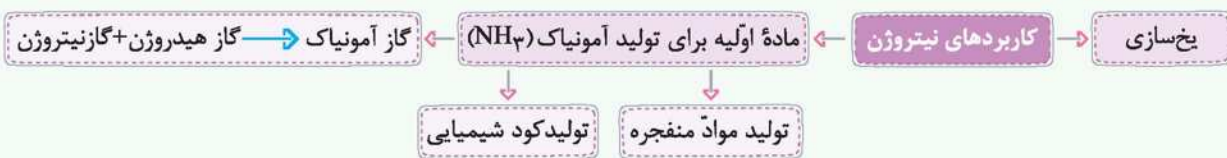


● در چرخه نیتروژن هنگام رعد و برق، نیتروژن و اکسیژن هوا با هم ترکیب شده و اکسید نیتروژن ایجاد می‌شود که هنگام بارش در آب باران حل شده و وارد خاک می‌شود.

● درون خاک، برخی از باکتری‌ها این ترکیبات نیتروژن دار را به یون نیترات تبدیل می‌کنند. نیترات توسط ریشه برخی گیاهان جذب شده و پروتئین‌سازی انجام می‌شود و جانوران با خوردن گیاهان نیتروژن را جذب می‌کنند.

● با مرگ جانوران و گیاهان، نیتروژن به صورت ترکیبات نیتروژن دار به خاک برمی‌گردد و باکتری‌های تجزیه‌کننده موجود در خاک تعدادی از ترکیبات نیتروژن دار خاک را به نیتروژن گازی شکل تبدیل کرده و نیتروژن به هوا باز می‌گردد.

★ کاربردهای نیتروژن:



★ فسفر (P): جامدی که به دو شکل عمده سفید و قرمز وجود دارد و در نوک چوب‌کبریت به کار می‌رود.

★ کربن (C): ماده جامد سیاه‌رنگی که در تولید نوک مداد (گرافیت) کاربرد دارد.

★ فلونور (F): گاز زرد کم‌رنگ و سمی که در ساخت خمیردندان‌ها، دهان شویه‌ها و تفلون‌ها کاربرد دارد.

★ کلر (Cl): گازی با رنگ زرد مایل به سبز که بسیار سمی است.



نکته

اتم‌های کلر (Cl) و فلونور (F) در آفرین مراد، فود ۷ الکترون دارنر و فواصن شیمیایی آنها مشابه یکدیگر است.



پرسش‌های فصل اول: بخش اول

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

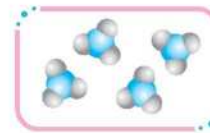
هر ماده را به شکل مربوط به آن وصل کنید.



۱



۲



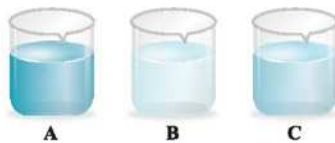
۳

آمونیاک

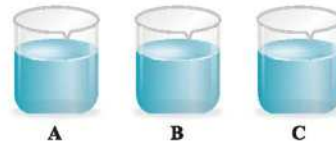
نیتروژن

اوزون

سه تیغه فلزی از جنس مس، آهن و منیزیم را داخل محلول‌هایی با غلظت یکسان از کات کبود انداخته‌ایم. شکل‌های داده شده، قبل و بعد از تغییر رنگ آنها را نشان می‌دهد:



پس از گذشت مدت زمانی



کدام ظرف حاوی تیغه مس است؟ چرا؟

کدام ظرف حاوی تیغه منیزیم است؟ چرا؟

هر کدام از جملات زیر بیانگر چه نوع ماده‌ای هستند؟

ماده‌ای که مولکول دو اتمی آن در هوا یافت می‌شود و برای تنفس الزامی است:

از ترکیب مستقیم هیدروژن و نیتروژن به وجود می‌آید:

نافلز جامد، نرم و تیره‌رنگی که در مغز مداد از آن استفاده می‌شود:

سه خاصیت فیزیکی مس و یک خاصیت شیمیایی آن را بنویسید.

درباره سولفوریک اسید به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

فرمول شیمیایی آن را بنویسید.

دو کاربرد این ماده را بنویسید.

مدل اتمی بور را برای عنصرهای اکسیژن (O) و گوگرد (S) رسم کنید و براساس آن تفاوت و شباهت این دو عنصر را بنویسید.

عنصر یا عناصر مهم به کاررفته در هر تصویر چیست؟



۱



۲



۳

نقش جانوران در چرخه نیتروژن چیست؟

من چیستم؟

«نافلزی جامد هستم که حاصل ترکیب من با دو نافلز دیگر، سولفوریک اسید است.»

عناصر F، B، Al، Cl و Fe را در نظر بگیرید.

مدل اتمی بور را برای این چهار عنصر رسم کنید.

با توجه به مدل‌های رسم شده حدس می‌زنید کدام یک از این عنصرها به هم شباهت دارند؟





ستایش

به نام خداوند جان و خرد

حافظ
الف ج
فی د
س

فردوسی

مولانا

سعنی

واژه‌نامه کتاب

ناهید: ستاره زهره

ستودن: ستایش کردن
مهز: خورشید، محبت

بیننده: چشم؛ کسی که می‌بیند؛ در شعر فردوسی مقصود دو چشم یا چشمان است.

فراواژه

کیوان: سیاره زحل
میان: کمر، کمربند

سپهر: آسمان (گردان سپهر: آسمان چرخنده)
فروزنده: روشنگر، افروزنده

برنا: جوان
خرد: اندیشه، عقل

بررسی ستایش



به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

معنی به نام خدایی که آفریننده روح و دانش است [سخنم را آغاز می‌کنم] که فکر آدم از این دو (جان و خرد)، بالاتر نمی‌رود.

نکته ادبی خرد، برنگذرد: قافیه / مراعات نظیر (تناسب): خرد، جان، اندیشه **نکته زبانی** بیت دو جمله دارد. / مصراع اول: شبه جمله **نکته فکری** جان و خرد، بزرگ‌ترین چیزها هستند و خدا آفریننده این دو چیزی است که بالاتر از اینها، فکر آدم به هیچ چیز نمی‌رسد.

خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

معنی خدایی که صاحب نام‌ها و صاحب جای‌هاست؛ خدایی که روزی و نعمت می‌دهد و راهنمای انسان است.

نکته ادبی جای، رهنمای: قافیه / تکرار: خداوند

خداوند کیوان و گردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر

معنی خدایی که آفریننده سیاره کیوان و آسمان گردنده است؛ خدایی که روشن‌کننده نور ماه و سیاره زهره و خورشید است.

نکته ادبی سپهر، مهر: قافیه / مراعات نظیر (تناسب): کیوان، سپهر، ماه، ناهید، مهر **نکته فکری** در گذشته اعتقاد داشتند زمین ثابت است و آسمان در حال گردش است. (گردان سپهر)

به بینندگان، آفریننده را نیننی، مرنجان دو بیننده را

معنی با چشم‌هایت، نمی‌توانی آفریدگار را ببینی، چشم‌هایت را خسته نکن!

نکته ادبی آفریننده، بیننده: قافیه / را: ردیف / منظور از بینندگان، چشم‌هاست. **نکته فکری** اینکه انسان نمی‌تواند خدا را مستقیماً ببیند، از



اعتقادات شیعیان است. آیتی در قرآن کریم نیز بیانگر همین مورد است؛ مانند «قَالَ رَبِّ ارْنِيْ اَنْظُرُ اِلَيْكَ قَالَ لَنْ تُرَانِي» (خدایا خود را به من آشکار نما تا تو را ببینم، خدا پاسخ فرمود: مرا هرگز نخواهی دید.) یا «لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصَارَ» (او را هیچ چشمی درک ننماید و او همه دیدگان را مشاهده می‌کند).

نیابد بدو نیز، اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

معنی هیچ فکری به بزرگی خدا راه پیدا نمی‌کند؛ چون او از هر نامی و از هر جایگاهی بالاتر است.

گفته ادبی راه، جایگاه: قافیه / راه پیدا نکردن اندیشه به خدا؛ کنایه از فکر محدود انسان **گفته فکری** انسان، هر چه را با نام و مکانش می‌شناسد و می‌تواند تحلیل کند؛ اما خدا فراتر از نام و جای است و نمی‌توان او را تحلیل کرد.

ستودن نداند کس او را چه هست میان، بندگی را بیایدت بست

معنی کسی نمی‌تواند او را به اندازه بزرگی خودش ستایش کند؛ پس باید آماده بندگی او شوی.

گفته ادبی هست، بست: قافیه / میان برای کاری بستن؛ کنایه از آماده شدن برای انجام دادن کاری (مثلاً میان برای درس خواندن بستن، یعنی آماده درس خواندن شدن) / جناس: هست، بست **گفته فکری** خدا را آن‌گونه که شایسته است، نمی‌توان ستایش کرد.

توانا بود هر که دانا بود ز دانش، دل پیر، برنا بود

معنی هرکس که دانا باشد، توانایی هم دارد و دانش، دل انسان پیر را جوان می‌کند.

گفته ادبی دانا، توانا: قافیه / بود: ردیف / تضاد: جوان، پیر / این بیت، ضرب‌المثل شده است. **گفته فکری** دانش، موجب توانایی است.





درس ۱

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است



واژگان مهم املائی

واژه‌نامه کتاب

- | | | |
|--|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> ● عینب: انگور ● کج رفتار: کسی که رفتاری نادرست دارد. ● مسخر: رام و مطیع ● معرفت: شناخت، علم | <ul style="list-style-type: none"> ● تنبیه: هوشیار کردن، آگاه ساختن کسی برکاری ● حقه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهای دیگر نگهداری می‌شود. ● راست‌رو: مخالف کج‌رو، درستکار، کسی که از راه راست خارج نمی‌شود. | <ul style="list-style-type: none"> ● انعام: نعمت دادن، بخشش ● الوان: رنگ‌ها، جمع لون ● بساط: سفره، هر چیز گسترده‌ای مثل حصیر و فرش ● پیر: مرشد، راهنما ● تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن، نیایش کردن |
|--|---|---|

فراواژه

- | | | |
|---|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> ● فروزنده: روشنگر، افروزنده ● فکرت: تفکر، اندیشه ● کرم: بخشش ● لیل: شب ● مستمع: شنونده ● نهار: روز ● یاقوت: سنگ قیمتی قرمز رنگ | <ul style="list-style-type: none"> ● خران: باییز ● دامن: کناره، اطراف ● درنگ: مکث، صبر ● رحمت: مهربانی ● زین: طلایی ● طریق: راه، روش ● عاجز: ناتوان و درمانده | <ul style="list-style-type: none"> ● اقرار: اعتراف کردن ● بار خدایا: ای خدا ● بامداد: سحر ● برنوشتن: جمع کردن، تا کردن، لوله کردن ● جهالت: نادانی ● حیران: شگفت زده، متحیر ● خاتم: آخرین، ختم کننده |
|---|---|---|

بررسی درس آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

بامدادی که تفاوت کنند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

معنی: در ابتدای صبح (اول فروردین) که طول شب و روز یکسان است، به دامن باغ و صحرا رفتن و زیبایی‌های بهار را تماشا کردن، بسیار دل چسب است.
کلمه ادبی: قالب شعر: قصیده / بهار، نهار: قافیه / تضاد: لیل، نهار / جناس: بهار، نهار **کلمه فکری:** مصراع اول اشاره به روز اول بهار دارد که در آن طول شب و روز یکسان است.

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار

معنی: تمام آفریده‌های خداوند، برای آگاهی و بیداری انسان‌های صاحب دل است. اگر کسی به قدرت خداوند اعتراف نکند، انگار دلی در سینه ندارد!
کلمه ادبی: واج آرایی «د» / جناس: که، به / دل نداشتن: کنایه از احساس نداشتن / خداوند دل: در زبان قدیم، خداوند به معنای صاحب، رئیس و پادشاه به کار می‌رفته است. خداوند در مصراع اول به معنی «صاحب» و در مصراع دوم به معنی «خداوند متعال» است. **کلمه زبانی:** همه: قید / بیت سه جمله دارد.

این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود هر که فکر نکند، نقش بود بر دیوار

معنی: با دیدن این همه چیزهای شگفت‌انگیز که بر در و دیوار دنیا وجود دارد، هر کسی به فکر فرو نرود و به قدرت خدا پی نبرد، خودش مثل نقاشی بی‌جانی بر دیوار است که هیچ عقل و فکری ندارد!



نکته ادبی مراعات نظیر: در، دیوار / تشبیه (اضافه تشبیهی): دیوار وجود / جناس: بر، در / تشبیه: کسی که فکر نکند به نقش بر دیوار
نکته فکری فرق نقاشی روی دیوار و انسان، در داشتن قدرت تفکر و تحلیل است.

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند / نه همه مستمعی، فهم کنند این اسرار

معنی همه موجودات هستی در حال نیایش خداوند هستند اما هر شنونده‌ای این رازها را نمی‌شنود (و درک نمی‌کند).

نکته ادبی مصراع اول: تلمیح به آیاتی مانند «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (تلمیح را در درس‌های آینده می‌خوانیم). / جان بخشی: در تسبیح بودن کوه، دریا، درختان / مراعات نظیر: کوه، دریا، درختان **نکته زبانی** این اسرار: مفعول / بیت دو جمله دارد.

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: / آخرای خفته، سراز خواب جهالت، بردار؟

معنی آیا خبرداری پرنده‌گانی که صبح‌ها آواز می‌خوانند، (دارند به تو) می‌گویند که ای کسی که خوابیده‌ای و از دنیا بی‌خبری، از خواب نادانی‌ات بیدار شو!؟

نکته ادبی واج‌آرایی «خ» / مراعات نظیر: خواب، سحر، خفته / جناس: سر، سحر / تشبیه (اضافه تشبیهی): خواب جهالت / سراز خواب برداشتن: کنایه از آگاهی و بیداری

تاکی آخرچو بنفشه، سر غفلت در پیش؟ / حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

معنی تاکی می‌خواهی مثل گل بنفشه از نادانی و گمراهی، سرت را پایین بگیری؟ حیف است که تو در خواب گمراهی هستی اما گل نرگس بیدار است!

نکته ادبی مراعات نظیر: بنفشه، نرگس / تشبیه: مخاطب به بنفشه / جناس: در، سر / بنفشه در این بیت نماد غفلت و سرافکنده‌گی و نرگس، نماد بینایی و آگاهی است. / سر غفلت در پیش گرفتن: کنایه از نادانی **نکته فکری** باید جهان را دید و از غفلت دور بود.

نکته گل بنفشه، پون ساقه‌اش فمیده است، شاعران، این فمیدگی و سر به زیری را به غفلت زدگی این گل تشبیه می‌کنند. / نرگس در شعر فارسی، اشاره به پشم است (استعاره).

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ / یا که داند که بر آرد گل صدر برگ از خار؟

معنی چه کسی می‌تواند میوه رنگارنگ از شاخه درخت در بیاورد غیر از خدا؟ یا چه کسی می‌تواند از شاخه‌ای خشک، گلی برگ‌برگ بپویاند غیر از خدا؟

نکته ادبی چوب: مجاز از درخت / تضاد: گل، خار / مراعات نظیر: میوه، چوب، گل، خار، برگ / بیت پرسش انکاری دارد (پرسشی که به دنبال پاسخ آن نیستیم و برای تأکید پرسیده می‌شود).

عقل، حیران شود از خوشه زرین عنب / فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

معنی عقل، با دیدن خوشه طلایی انگور، شگفت‌زده می‌شود و فهم از دیدن جعبه قرمز انار، ناتوان می‌ماند.

نکته ادبی تشبیه: انگور به خوشه‌ای طلایی؛ انار به جعبه جواهرات / جان بخشی: حیران شدن عقل و عاجز بودن فهم / مراعات نظیر: عنب، انار

پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز / ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

معنی او، خداوند پاک و بی‌عیب است که با فرمان خود، حتی ماه و خورشید و شب و روز را رام و مطیع (فرمان خویش) می‌کند.

نکته ادبی تضاد: لیل، نهار / مراعات نظیر: ماه، خورشید، لیل، نهار / بیت، اشاره به آیات قرآن دارد (تلمیح).

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او / همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

معنی تا روز قیامت، همه از بخشش و مهربانی خداوند حرف می‌زنند و با این همه، انگار هنوز یکی هم از هزاران سخن که شایسته خداوند باشد، گفته نشده است.

نکته ادبی تضاد: یکی، هزار / آرایه مبالغه در بیت وجود دارد.

نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است / شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار

معنی ای خدای بزرگ! نعمت‌های تو قابل شمارش نیست؛ انسان شکرگزار هم نمی‌تواند چنان‌که شایسته نعمت‌های تو است، شکرگزاری کند.

(مصراع دوم را به این معنا هم می‌شود خواند: انسان، نعمت‌های تو را شکر نمی‌کند!)



Lesson 1

Personality



New vocabularies کلمه های جدید درس اول

photo dictionary فرهنگ لغت تصویری

باهوش  clever	مهربان  kind	سختکوش  hard-working	مفید - کمک کننده  helpful	پرحرف  talkative
مرتب - تمیز - پاکیزه  neat	ناراحت  upset	بامزه - خنده دار  funny	صبور  patient	ساکت - آرام  quiet
جدی  serious	عصبانی  angry	شجاع  brave	بی احتیاط - بی دقت  careless	با احتیاط - یادقت  careful
بی رحم - ظالم  cruel	بی ادب  rude	پالذب  polite	عصبی  nervous	خودخواه  selfish
شرکت  company	انجام دادن تکلیف  do homework	کنترل کردن  check	فرهنگ لغت  dictionary	بخشنده  generous

<p>خجالتی</p> <p>shy</p>	<p>رایانه</p> <p>computer</p>	<p>یک محیط لذت بخش</p> <p>a pleasant environment</p>	<p>تنبل</p> <p>lazy</p>
<p>یک کارگر سختکوش</p> <p>a hard - working worker</p>	<p>سرباز</p> <p>soldier</p>	<p>کودک - بچه کوچولو</p> <p>kid</p>	

New words and phrases

کلمه ها و عبارت های جدید

personality	شخصیت	I'll ask her to help me with my English.
best friend	بهترین دوست	از او می خواهم به من در درس انگلیسی کمک کند.
really	واقعاً	She works for a company.
great	عالی، با حال	او برای یک شرکت کار می کند.
always	همیشه	Let me check it in the dictionary.
with my lessons	در درس هایم	اجازه بده در فرهنگ لغت چک کنم. (کنترل کنم)
Are you hard-working?	آیا تو سخت کوش هستی؟	There is a/ an/ one ...
What's your friend like?	دوستت چطور آدمی است؟	وجود دارد یک ...
a bit	یک کمی، یک مقداری	There are two/ some/ many ...
Everybody likes her.	همه او (زن) را دوست دارند.	وجود دارند دو تا/ تعدادی/ تعداد زیادی ...
Yes, I know.	بله، می دانم.	forget
You Can ask her for help.	تو می توانی از او کمک بخواهی.	فراموش کردن
		important things
		چیزهای مهم
		big problem
		مشکل بزرگ
		place
		جا، مکان
		person
		شخص

Key Points

نکات کلیدی درس اول

1 در سال های گذشته با ضمایر فاعلی آشنا شدیم:

مفرد	
من	I
تو	You
او (مرد)	He
او (زن)	She
آن (اشیاء)	It

جمع	
ما	We
شما	You
آنها	They

ضمایر فاعلی، به همراه افعال کمکی (to be) به شکل زیر به کار می‌روند:

مفرد			جمع		
ضمیر فاعلی	فعل کمکی	معنی	ضمیر فاعلی	فعل کمکی	معنی
I	am	من هستم	We	are	ما هستیم
You	are	تو هستی	You	are	شما هستید
He	is	او (مرد) هست	They	are	آنها هستند
She	is	او (زن) هست			
It	is	آن (اشیاء) است			

شکل کوتاه یا همان مخفف ضمایر فاعلی با افعال (to be) به صورت زیر است:

I am	→	I'm	من هستم	We are	→	We're	ما هستیم
You are	→	You're	تو هستی	You are	→	You're	شما هستید
He is	→	He's	(مرد) او هست	They are	→	They're	آنها هستند
She is	→	She's	(زن) او هست				
It is	→	It's	آن است				

سؤالی و منفی کردن جمله‌هایی که افعال (to be) دارند:

برای «سؤالی کردن» جمله‌هایی که افعال کمکی (am/is/are) یا همان افعال (to be) دارند، کافی است، این افعال کمکی را به اول جمله بیاوریم:

I am ...	→	Am I...?
You are ...	→	Are you...?
He is ...	→	Is he...?
She is ...	→	Is she...?
It is ...	→	Is it...?

We are ...	→	Are we...?
You are ...	→	Are you...?
They are ...	→	Are they...?

برای «منفی کردن» جمله‌هایی که افعال کمکی (am/is/are) دارند، کافی است بعد از این افعال کمکی، قید منفی (not) را قرار دهیم:

I am not = I'm not	من نیستم
You are not = You aren't = You're not	تو نیستی
He is not = He isn't = He's not	او (مرد) نیست
She is not = She isn't = She's not	او (زن) نیست
It is not = It isn't = It's not	آن (اشیاء) نیست

We are not = We aren't = We're not	ما نیستیم
You are not = You aren't = You're not	شما نیستید
They are not = They aren't = They're not	آنها نیستند



سؤال جمله‌های زیر را سؤال کرده و به آنها پاسخ کوتاه با **Yes** و **No** دهید.

1 Ali is shy.

سؤال →

Is Ali shy?

+ Yes, he is.

- No, he isn't.

2 They're books.

سؤال →

Are they books?

+ Yes, they are.

- No, they aren't.

4 کاربرد عبارت‌های **There is** (مفرد) و **There are** (جمع):

این عبارت‌ها وجود داشتن کسی یا چیزی را در جایی نشان می‌دهند.

عبارت **There is** (وجود دارد)، برای جمله‌های مفرد و عبارت **There are** (وجود دارند)، برای جمله‌های جمع به کار می‌روند.

مثال ۱

There is a bag on the desk.

یک کیف روی میز تحریر وجود دارد. (مفرد)

مثال ۲

There are two girls in the classroom.

دو تا دختر در کلاس درس هستند. (جمع)

توجه همان‌طور که می‌دانید در جمله‌هایی که جمع هستند، باید **one / an / a** که به معنی (یک) هستند، حذف شوند و به جای آنها

کلمه‌هایی از قبیل **many / some / three / two** قرار بگیرند؛ کلمه‌های بعد از آنها نیز (s) یا (es) جمع می‌گیرند:

مثال

a computer

جمع →

four computers

چهار رایانه

one boy

جمع →

some boys

تعدادی پسر

an apple

جمع →

many apples

تعداد زیادی سیب

a box

جمع →

two boxes

دو تا جعبه

5 **سؤال** و منفی کردن عبارت‌های **There is** و **There are**:

نکته برای سؤال کردن جمله‌هایی که **There is** و **There are** دارند، کافی است افعال کمکی **is** و **are** را به اول جمله منتقل کنیم:

1 There is a policeman in the street. (جمله خبری)

یک پلیس در خیابان هست.

Is there a policeman in the street? (جمله سؤال)

آیا یک پلیس در خیابان هست (وجود دارد)؟

2 There are two buses near the school. (جمله خبری)

دو تا اتوبوس نزدیک مدرسه هست.

Are there two buses near the school? (جمله سؤال)

آیا دو اتوبوس نزدیک مدرسه هست (وجود دارند)؟

برای منفی کردن این جمله‌ها، کافی است بعد از افعال کمکی **is** و **are**، قید منفی **not** را قرار دهیم:

مثال ۱

There is not (isn't) a bicycle at school.

در مدرسه، دوچرخه وجود ندارد.

مثال ۲

There are not (aren't) many flowers in the garden.

در باغ، گل‌های زیادی وجود ندارند.



الذرس الازرك

مراجعة دروس الصف السابع و الثامن



مراجعة دروس الصف السابع و الثامن (دورهی درس های پایه هفتم و هشتم)



المعجم و اژه نامه

قیام: برخاستن
 مُسْتَشْفَى: بیمارستان
 مَمَاة: مرگ = مَوْت ❖ حیاة
 مَمَرُ الْمَشَاة: گذرگاه پیاده
 مَشَاة: پیادگان «جمع ماشی»
 مِنتَقَة تَعْلِیْم المُرور: پارک آموزش ترافیک
 مَوْقف: ایستگاه
 تَبَقَى: می مانیم «ماضی: بَقِيَ / مضارع: یَبْقَى»
 ها: هان
 یُحَذِرُ: هشدار می دهد «ماضی: حَذَرَ»
 یَمَشُونَ: راه می روند «ماضی: مَشَى / مضارع: یَمْشِی»

تُریدون الذهاب: می خواهید بروید
 رَصِیف: پیاده رو
 زَاد: زیاد کرد، زیاد شد «مضارع: یَزِیدُ»
 زَار: زیارت کرد «مضارع: یُزِیرُ»
 سَاعَدَكَ اللهُ: خدا قوت
 سَاعَدَ: کمک کرد
 یُسَاعِدُ: کمک می کند
 سَأَلَ: درخواست کرد، پرسید «مضارع: یَسْأَلُ»
 صَعَاب: سختی ها «مفرد: صَعَب»
 عام: سال
 عامٌ دراسی: سال تحصیلی

آمین: ایمن
 التَّبَوُّرُ الآمِنُ: عبور و مرور ایمن
 ابْتَدَأَ: شروع شد «مضارع: یَبْتَدِئُ»
 اَتَمَّنَى: آروز می کنم
 تَبَيَّنَ: پسران
 تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد «مضارع: یَتَخَرَّجُ»
 تَلَامِیذُ: دانش آموزان «مفرد: تَلْمِیذٌ»
 حَذَّ: بگیر، بردار، ببر «ماضی: أَحَذَّ / مضارع: یَأْخُذُ»
 درآسة: تحصیل، درس خواندن
 دراسی: تحصیلی
 دَرَسَ: درس داد «مضارع: یَدْرُسُ»
 ذَهَاب: رفتن

أهلاً و سهلاً

١ أَقْرَأُ بِاسْمِ اللهِ / كِتَابِي / أَشْأَلُ رَبِّي / حَلَّ / صَعَابِي
 می خوانم / با نام / خدا / کتابم / درخواست می کنم / پروردگارم / حل کردن / سختی هایم
 کتابم را با نام خدا می خوانم. از پروردگارم، حل سختی هایم را درخواست می کنم.
 ٢ مَكْتَبُنَا نُوْرٌ / وَ حَيَاةٌ فِيهِ / دُعَاءٌ، فِيهِ / صَلَاةٌ
 مکتب ما / روشنایی / و / زندگی / در آن / دعا / در آن / نماز
 مکتب ما روشنایی و زندگی است. در آن دعاست. در آن نماز است.
 ٣ فِيهِ / عُلُومٌ / فِيهِ / كَمَالٌ / فِيهِ / كُنُوزٌ / فِيهِ / جَمَالٌ
 در آن / دانش ها / در آن / کمال / در آن / گنج ها / در آن / زیبایی
 در آن دانش هست. در آن کمال هست. در آن گنج هست. در آن زیبایی هست.

٤ يَبْتَدِئُ / فَضْلُ الدِّرَاسَةِ / وَ الْقِرَاءَةِ / وَ الْكِتَابَةِ / وَ فَضْلُ الصَّدَاقَةِ / بَيْنَ التَّلَامِیْذِ.
 شروع می شود / فصل / درس خواندن / و / خواندن / و / نوشتن / و / فصل / دوستی / بین / دانش آموزان
 فصل درس خواندن و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش آموزان آغاز می شود.
 ٥ اَبْدَأُ بِاسْمِ اللهِ / كَلَامِي / اَذْكُرُ رَبِّي / عِنْدَ قِيَامِي
 آغاز می کنم / با نام / خدا / سختم / یاد می کنم / پروردگارم / هنگام / برخاستن
 با نام خدا سختم را آغاز می کنم. پروردگارم را هنگام برخاستنم، یاد می کنم.
 ٦ اَبْدَأُ بِاسْمِ اللهِ / دُرُوسِي / اَذْكُرُ رَبِّي / عِنْدَ جُلُوسِي
 آغاز می کنم / با نام / خدا / درس هایم / یاد می کنم / پروردگارم / هنگام / نشستنم
 با نام خدا درس هایم را آغاز می کنم. پروردگارم را هنگام نشستنم، یاد می کنم.

٧ يَبْتَدِئُ / الْعَامُ / الدِّرَاسِي / الْجَدِيدُ. / يَذْهَبُ / الطَّلَابُ / وَ / الطَّالِبَاتُ / إِلَى الْمَدْرَسَةِ / يَفْرَحُ؛
 شروع می شود / سال / تحصیلی / نو / می رود / دانش آموزان پسر / و / دانش آموزان دختر / به سوی / مدرسه / با خوشحالی
 سال تحصیلی جدید شروع می شود. دانش آموزان پسر و دانش آموزان دختر، با خوشحالی به مدرسه می روند؛
 ٨ هُمْ / يَخْمَلُونَ / حَقَائِبَهُمْ / وَ يَمْشُونَ / عَلَي الرِّصِيفِ / وَ يَعْبُرُونَ / مَمَرُ الْمَشَاةِ / لِلتَّبَوُّرِ / الآمِنِ؛ / السَّوَارِعُ / مَمْلُوءَةٌ / بِالْبَنِيْنَ / وَ / الْبَنَاتِ.
 آنها / حمل می کنند / کیف هایشان / و / راه می روند / بر / پیاده رو / و / عبور می کنند / گذرگاه پیاده / برای عبور / ایمن / خیابان ها / پراز / پسر ها / و / دختر ها
 آنها کیف هایشان را برمی دارند و در پیاده رو راه می روند و برای عبور ایمن، از گذرگاه پیاده عبور می کنند؛ خیابان ها پر از پسر ها و دختر هاست.



- ٩٠ **يَتَخَرَّجُ / مِنْهُ / الْعُلَمَاءُ / وَ / يَدْرُسُ / فِيهِ / الْحُكَمَاءُ**
فارغ التحصيل می شود / از آن / دانشمندان / و / درس می دهد / در آن / حکیمان
دانشمندان از آن فارغ التحصيل می شوند و حکیمان در آن درس می دهند.
- ٩١ **هـ / كُتِبِي / أَنْوَارُ / سَمَاوِي / مَرْحَمَةً ، / كَثُرَتْ / كِدْوَاتِي**
هان / کتاب هایم / روشنایی های / آسمانم / مهربانی / گنج / مانند دارویم
هان، کتاب هایم روشنایی های آسمانم هستند. مهربانی است، گنج است؛ مانند داروی من هستند.
- ٩٢ **أَبْدَأُ / بِاسْمِ / اللَّهِ / أُمُورِي / فَاسْمُ / إِلَهِي / زَادَ / سُرُورِي**
شروع می کنم / با نام / خدا / کارهایم / پس اسم / خدایم / زیاد کرد / شادی ام
با نام خدا کارهایم را شروع می کنم. پس نام خدایم، شادی ام را زیاد کرد.

اللزبعتيات

- ١٦٠ **إِلَى / النَّجْفِ / وَ / كَرْبَلَاءَ / وَ / الْكَاظِمِيَّةِ / وَ / سَامَرَاءَ .**
به / نجف / و / کربلا / و / کاظمین / و / سامرا
به نجف و کربلا و کاظمین و سامرا.
- ١٦١ **كَمْ / يَوْمًا / تَبْقُونَ / فِي / النَّجْفِ ؟**
چند / روز / می مانید / در / نجف
چند روز در نجف می مانید؟
- ١٦٢ **نَبْقَى / يَوْمَيْنِ .**
می مانیم / دو روز
دو روز می مانیم.
- ١٦٣ **وَ / كَمْ / يَوْمًا / فِي / بَاقِي / الْمُدْنِ ؟**
و / چند / روز / در / بقیه / شهرها
و چند روز در بقیه شهرها می مانید؟
- ١٦٤ **فِي / الْكَاظِمِيَّةِ / وَ / سَامَرَاءَ / يَوْمَيْنِ ، / وَ / الْبَاقِي / فِي / كَرْبَلَاءَ .**
در / کاظمین / و / سامرا / دو روز / و / بقیه / در / کربلا
دو روز در کاظمین و سامرا و باقی در کربلا.
- ١٦٥ **أَسْطُرْطِي / وَ / الزَّائِرُ**
پلیس / و / زائر
پلیس و زائر
- ١٦٦ **أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ !**
خوش آمدید
خوش آمدید!
- ١٦٧ **شُكْرًا ، / سَاعَدَكَ اللَّهُ !**
سپاسگزارم / خدا قوت
سپاسگزارم، خدا قوت!
- ١٦٨ **كَمْ / يَوْمًا / تَبْقُونَ / فِي / الْعِرَاقِ ؟**
چند / روز / می مانید / در / عراق
چند روز در عراق می مانید؟
- ١٦٩ **نَبْقَى / أُسْبُوعَيْنِ .**
می مانیم / دو هفته
دو هفته می مانیم.
- ١٧٠ **إِلَى / أَيْ / مُدْنٍ / تَرِيدُونَ / الدَّهَابَ ؟**
به / کدام / شهرها / می خواهید / رفتن
به کدام شهرها می خواهید بروید؟
- ١٧١ **أَتَمَنِّي / لَكُمْ / زِيَارَةَ / مَقْبُولَةً !**
آرزو می کنم / برای شما / زیارت / قبول شده
آرزو می کنم زیارتان قبول باشد.
- ١٧٢ **حَفِظَكَ / اللَّهُ !**
حفظت کند / خدا
خدا حفظت کند!
- ١٧٣ **حُدِّ / جَوَازَكَ ، / فِي / أَمَانِ / اللَّهِ !**
بگیر / گذرنامه ات / خدا حافظ
گذرنامه ات را بگیر؛ خدا حافظ!
- ١٧٤ **شُكْرًا جَزِيلًا . / فِي / أَمَانِ / اللَّهِ / وَ / حِفْظِهِ !**
بسیار متشکر / خدا حافظ / و / نگهداری اش
بسیار متشکرم. در امان و حفاظت خدا باشید!
- ١٧٥ **مَنْ / زَارَنَا / فِي / مَمَاتِنَا / فَكَأَنَّمَا / زَارَنَا / فِي / حَيَاتِنَا .**
هر کسی / زیارت کند ما را / در / مرگمان / پس گویا / زیارت کرده ما را / در / زندگی مان
هر کس ما را در مرگمان زیارت کند، پس گویا ما را در زندگی ما زیارت کرده.
امام صادق (ع)

قواعد درس اول (دوره هفتم و هشتم)

- مفرد ← طَالِب (مذکر)، طَالِبَة (مؤنث)
مثنی ← اِن، بَيْن ← طَالِبَان، طَالِبَتَان، طَالِبَتَيْن.
جمع ← سالم ← وَن، يَن، اَت ← اللَّاعِبُونَ، اللَّاعِبِينَ، اللَّاعِبَات
جمع ← مكسّر ← طُلَّاب

اسم از لحاظ تعداد

اسم های اشاره

دور	نزدیک	
ذلك (مذکر) / تِلْكَ (مؤنث)	هذا (مذکر) / هذه (مؤنث)	مفرد
-	هذان (مذکر) / هاتان (مؤنث)	مثنی
أُولَئِكَ (مذکر و مؤنث)	هؤلاء (مذکر و مؤنث)	جمع





کلمات پرسشی

کلمات پرسشی	بِمَ	مَتَى	كَمْ	أ. هَلْ	ما. ماذا	مَنْ	لِمَنْ	أَيْنَ	مِنْ أَيِّنَ	كَيْفَ	لِمَاذَا
ترجمه	با چه چیزی	چه وقت	چند	آیا	چیست - چه چیزی	چه کسی - چه کسانی	برای چه کسانی - برای چه کسی	کجا	اهل کجا - از کجا	چطور - چگونه	چرا - برای چه

رنگ‌ها

أخضر	أبيض	أسود	أزرق	أصفر	أحمر
سبز	سفید	سیاه	آبی	زرد	قرمز

روزهای هفته

السَّبْت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعة
شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه

اعداد

اعداد اصلی	اعداد ترتیبی
واحد	الأول
إثنان	الثاني
ثلاثة	الثالث
أربعة	الرابع
خمسة	الخامس
ستة	السادس
سبعة	السابع
ثمانية	الثامن
تسعة	التاسع
عشرة	العاشر
أحد عشر	الحادي عشر
إثنا عشر	الثاني عشر



پرسش های درس اول: مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ المَصَفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ

۱ با توجه به تصاویر داده شده، گزینه درست را انتخاب کنید.

 <input type="checkbox"/> جَنَّة <input type="checkbox"/> عَمُود	 <input type="checkbox"/> عَش <input type="checkbox"/> فُنْدُق	 <input type="checkbox"/> كُرَّة المِنْضَدَة <input type="checkbox"/> كُرَّة القَدَم	 <input type="checkbox"/> ذئب <input type="checkbox"/> ثَعْلَب
---	---	--	---

۲ در هر قسمت، مشخص کنید که علامت متضاد (⊖) و مترادف (=) درست آمده اند یا خیر.

- ذَهَبٌ ⊖ رَجَعٌ
 تَلْمِيزٌ = طَالِبٌ
 اُمٌّ ⊖ وَالِدَةٌ
 حَزِينٌ = مَشْرُورٌ

۳ کدام یک از نظر معنایی و دستوری با بقیه کلمات **ناهماهنگ** است؟

- | | | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|-------------------------------------|--------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> الأثْنَانِ | <input type="checkbox"/> السَّبْتِ | <input type="checkbox"/> الأثْنَاءِ | <input type="checkbox"/> الأَحْمِيسِ |
| <input type="checkbox"/> نَجَارٌ | <input type="checkbox"/> حَلَوَاتِي | <input type="checkbox"/> سَائِقٌ | <input type="checkbox"/> رِيَاضَةٌ |
| <input type="checkbox"/> بَقْرَةٌ | <input type="checkbox"/> فَرَسٌ | <input type="checkbox"/> مِهْنَةٌ | <input type="checkbox"/> غَرَابٌ |

۴ معنی واژه های خواسته شده را بنویسید.

- أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صَعَابِي
 إِسْمُ إِلَهِي، زَادَ سُورِي
 السِّيَّارَةُ فِي سَاحَةِ الفُنْدُقِ

۵ جملات داده شده را ترجمه کنید.

- الأَغْرَابُ طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ.
 مَا ظَلَمْنَا هُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ.
- شَوَارِعُ المَدِينَةِ مَمْلُوءَةٌ بِالبُنَيْنِ وَ البَنَاتِ فِي بَدَايَةِ فَضْلِ الدَّرَاسَةِ.
 نَحْنُ نَذَكِّرُ رَبَّنَا عِنْدَ قِيَامِنَا وَ جُلُوسِنَا.

۶ ترجمه ناقص را کامل کنید.

- يَتَخَرَّجُ مِنْهُ العُلَمَاءُ، از آن دانشمندان
 أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. ، قطعاً خدا نه بر آنها هست و نه
 أَكْثَرُ حَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ، بیشتر آدمیزاد در است.
 حُدَّ جَوَازُكَ، پاسپورتت را

۷ ترجمه درست را انتخاب کنید.

- يُدْرَسُ فِيهِ الحُكْمَاءُ.
 (۱) دانشمندان در آن درس می خوانند.
 (۲) حکیمان در آن درس می دهند.

۸ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ فِي النُّجُومِ وَ الجِبَالِ.

- (۱) هر کسی که در آسمان ها و زمین است و هر کسی که در ستاره ها و کوه هاست، برای او سجده می کند.
 (۲) سجده می کنند برای کسی که در آسمان و زمین بود و کسانی که در ستاره و کوه است.

